

# بررسی ادبیات سیاسی ایران در دوره پهلوی اول 1

## مهدی حسنی باقری شریف‌آباد 2

تاریخ دریافت: 84/8/2

تاریخ تأیید: 84/10/25

مقاله حاضر در تلاش است تا وضعیت ادبیات سیاسی ایران را در دوران حکومت پهلوی اول مورد بررسی قرار دهد. از این رو، ابتدا خلاصه‌ای از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی این دوران ذکر شده است و در ادامه دو مقوله اصلی ادبیات؛ یعنی شعر و داستان مورد توجه قرار گرفته‌اند و تلاش شده است تا با بررسی محتوایی آثار نویسندگان سیاسی مطرح آن دوره و در تعامل با شرایط خاص ایجاد شده در کشور (جو اختناق و برقراری حکومت استبدادی) تأثیر این شرایط بر ادبیات سنجیده شود.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، ادبیات سیاسی، شعر، شعر نو، رمان، تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، رضا شاه، مدرنیسم ادبی.

### کودتای سوم اسفند 1299 و برآمدن رضا شاه

سپیده دم یکشنبه سوم اسفند ماه 1299 آبیستن حوادث تازه‌ای بود. با طلوع آفتاب، فصل دیگری در تاریخ معاصر ایران آغاز شد. مردم خواب‌آلود پایتخت که شب پرهیاهویی را به صبح رسانده بودند؛ نگران، به وقایعی می‌اندیشیدند که دفتر آخرین روزهای سال را ورق می‌زد. نیروهای قزاق به فرمان‌دهی میرینج‌رضاخان که از 29 بهمن ماه از قزوین به سمت تهران حرکت کرده بودند، دوم اسفند در شادآباد تهران اردو زدند. کوشش‌های احمد شاه برای جلوگیری از ورود آنها به تهران ناکام ماند. ظاهراً قزاقها به بهانه نرسیدن مواجب و برای عرض داد به تهران رهسپار شده بودند. در همین روز در حالی که ادیب السلطنه معاون نخست وزیر و معین‌الملک رئیس دفتر شاه، توسط نیروهای قزاق بازداشت شده بودند، سید ضیاء الدین طباطبایی به نیروهای قزاق پیوست و پس از ایراد نطقی مهیج و پرداخت سه ماه حقوق معوقه قزاق‌ها به تهران بازگشت.

همان شب، قوای قزاق، تهران را با گام‌های سنگین خود در نوریدند و در کلانتری‌ها و وزارت‌خانه و پست‌خانه‌ها و مراکز حساس شهر مستقر شدند.

«حکم می‌کنم» عنوان اولین اعلامیه رضاخان بود که در آن از همه تهرانی‌ها خواسته بود تا مطیع احکام نظام باشند. همچنین در این اعلامیه دستور داده شده بود مغازه‌های شراب فروشی، تئاترها، سینماها، فتوگراف‌ها و کلوپ‌های قمار، تعطیل شوند. در پایان این اعلامیه عبارت «رئیس دیویزیون قزاق اعلی حضرت اقدس شهریار و فرمان‌دهی کل قوا، رضا» به چشم می‌خورد. این اعلامیه به دلیل انعکاس بدی که در جامعه داشت فوراً جمع‌آوری گردید! 3  
رضاخان پس از کودتا در نطقی به نکاتی اشاره می‌کند که در حقیقت خواست عمومی مردم آن روزگار بود. او

اهدافش را از حکومت این گونه شرح می‌دهد:

[هدف ما استقرار] حکومتی [است] که در فکر ایران باشد، حکومتی که فقط تماشاچی بدبختی‌ها و فلاکت ملت خود واقع نگردد. حکومتی که تجلیل و تعظیم قشون را از اولین سعادت مملکت به شمار آورد... حکومتی که بیت المال مسلمین را مرکز شقاوت، کانون مظالم و قساوت نسازد. حکومتی که در اقطار سرزمین آن، هزارها اولاد مملکت از گرسنگی و بدبختی حیات را بدرود نگوید... حکومتی که بازیچه دست سیاسیون خارجی نباشد. 4

پس از تسخیر تهران به دست رضاخان سید ضیاءالدین طباطبائی نخست وزیری را در دست گرفت و از سوی احمد شاه قاجار، رضاخان به فرمان‌دهی دیویزیون قزاق منصوب شد و لقب «سردار سپه‌ی» گرفت.

درست است که کودتای سوم اسفند 1299 به سادگی به وقوع پیوست، اما هرگز با بی‌اعتنایی مواجه نشد. در ابتدا مخالفت‌ها اندک بود و استقبال از آن گسترده. در این میان طیف ناسیونالیست‌ها استقبال خوبی از کودتا کردند. میرزاده عشقی و عارف قزوینی دو شاعر نام‌آشنای آن دوره، که پیش از آن به دلیل مخالفت با قرارداد 1919 طعم زندان را چشیده بودند، اکنون با سرودن شعر و ساختن تصنیف، کودتا را می‌ستودند. عارف قزوینی به هنگام روی کار آمدن سید ضیاء در غزلی چنین سرود:

بدان که مملکت داریوش و کشور جم  
به دست فتنه بیگانگان نخواهد ماند  
به زنجیر ببر از من پیام کز اشراف  
دگر به دوش تو بار گران نخواهد ماند  
گدای کوی خرابیات را بشارت ده

هم عن قریب شه کامران خواهد ماند 5

فاصله سال‌های کودتا تا سلطنت رضا خان را دوران حاکمیت دوگانه خوانده‌اند. 6 در این سال‌ها مبارزه‌ای سخت، بین رقبا برای تصاحب قدرت سیاسی در جریان بود. در این دوره رضاخان به تحکیم قدرت خود می‌پردازد و با دگرگونی در اوضاع ارتش و سرکوب قیام‌های فرقه‌ای و منطقه‌ای، آرامش قابل قبولی را در کشور ایجاد می‌کند. در این سال‌ها سه دیدگاه نسبت به رضاخان وجود داشت:

1. انگلیسی‌ها در ارزیابی خودشان، رضاخان را رهبر قدرت‌مند ناسیونالیستی می‌دانستند که در راه پیشرفت اجتماعی کشور کوشش می‌کند که هنوز برای دموکراسی پارلمانی به سبک غربی آماده نیست.
2. سفارت شوروی در تهران رضاخان را رهبری «بورژوا - ناسیونالیست» می‌دانست که به مبارزه با «فتوئدال‌های ارتجاعی» و «حامیان مذهبی‌شان» برخاسته است.
3. دیدگاه افرادی که رضاخان را «جاسوس» انگلیسی‌ها می‌دانستند که مأموریتش را برای پیش‌برد منافع امپریالیسم بریتانیا انجام خواهد داد. 7

در پی اختلاف نظر بین سید ضیاء و احمد شاه، وی خواستار استعفای نخست‌وزیر شد، اما سید ضیاء نپذیرفت و گفت: «مرا عزل کنید».

پس از سید ضیاء به ترتیب؛ قوام السلطنه، مشیر الدوله، قوام السلطنه، مستوفی الممالک و مشیر الدوله به نخست‌وزیری می‌رسند. با نخست وزیری مشیر الدوله، عمر مجلس چهارم به پایان رسید و مجلس پنجم با اکثریتی که خواهان نخست‌وزیری سردار سپه‌بود تشکیل شد. و سرانجام در اول آبان ماه 1302 رضاخان با فرمان احمد شاه کابینه دوره مشروطه را معرفی کرد.

رضاخان در دوران نخست‌وزیریش، اقداماتش را در جهت برقراری امنیت در کشور ادامه داد و از جمله تحرکات شیخ خزعل و اسماعیل آقا سمیتقو را سرکوب کرد. در همین ایام است که زمزمه‌های جمهوری‌خواهی از گوشه و کنار کشور به گوش می‌رسد و سرانجام نیز راه برای استقرار جمهوری آغاز می‌شود. رضاخان به ظاهر در این قضایا خودش را بی‌طرف نشان می‌داد. جمهوری‌خواهی مخالفانی نیز پیدا کرد که می‌پنداشتند این جریان مقدمه‌ای برای تأسیس سلسله پهلوی است، میرزاده عشقی در چند و چون جمهوری‌خواهی در مقاله‌ای می‌نویسد:

جمهوری عجیبی است که دهاتیان «قروه» هوادار آنند اما عشقی با يك من فكل و كراوات با آن مخالف است. 8. یکی از مخالفان بزرگ جمهوری‌خواهی، مرحوم سید حسن مدرس بود. با بالا گرفتن مخالفت‌ها جریان جمهوری خواهی به شکست انجامید و رضاخان از نخست‌وزیری استعفا داد. اما اعتراضات تهدیدآمیز فرماندهان ارتش و کوشش‌های برخی از نمایندگان که کنارگیری رضاخان را به مصلحت نمی‌دانستند باعث شد تا هیئتی برای بازگرداندن او رهسپار شوند؛ رضاخان باز می‌گردد و ریاست کابینه را با اختیارات وسیع‌تری در دست می‌گیرد. در اقدام بعدی به قم مسافرت می‌کند و از در آشتی با مدرس درمی‌آید.

قضیه جمهوری‌خواهی به رضاخان ثابت کرده بود که اگر کاری می‌خواهد انجام شود باید بی‌سر و صدا و به دور از هیاهو باشد. بنابراین و با این شگرد تغییر سلطنت در دستور کار وی قرار می‌گیرد.

در 7 آبان ماه 1304 ماده واحده خلع سلطنت از قاجاریه در مجلس شورای ملی مطرح می‌شود؛ جو مجلس مخالف قاجارهاست، اما مخالفین نیز بیکار ننشسته‌اند. ملك الشعراء بهار یکی از آن روزها را این گونه تصویر کرده است: این روز تاریخی با نهیب مرگ و فشار قوه ترور نظامی آغاز گردید! جسد واعظ قزوینی هنوز تازه است! هول و رعب و بهت شجاع‌ترین افراد را آزار می‌داد. پیدا بود که کار از کار گذشته است. که تقلا کنند، فکری بیندیشند، با هم در نهایت یأس و آرامی و اختصار شوری بنمایند!

چه باید کرد؟ اکثریت را ربودند. دولت در دستی نوید و در دستی تهدید داشت، کو آن شیرمرد آزاده‌ای که بداند و درک کند و باور کند که حریف از ما می‌ترسد، بلکه او بیشتر می‌ترسد چه حق با او نیست... ما دیگر از همه چیز مأیوس بودیم به قضاوت تاریخ هم امیدی نداشتیم. 9

سرانجام مجلس با هشتاد رأی موافق در مقابل پنج رأی مخالف، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام کرد و حکومت موقت را به دست رضاخان سپرد. در نهایت با تشکیل مجلس مؤسسان در 21 آذر ماه 1304 با اکثریت 257 نفر از 260 نفر حاضر، طی ماده واحده‌ای اصول سه‌گانه 36 و 37 و 38 متمم قانون اساسی را به گونه‌ای تغییر دادند که

اصول سلطنت مشروطه به شخص رضاخان پهلوی و خاندان او انتقال یافت. 10

اما هنوز فریاد مدرس در راهروهای مجلس شورای ملی منعکس است که:

اگر صد هزار رأی هم بدهید، خلاف قانون است.

## ویژگی‌های کلی ادبیات در فاصله‌های 1320 - 1299

دوران اوج ادبیات انتقادی ژورنالیستی که در آن مسائل سیاسی به شکل آشکاری بیان می‌گردید، دوران مشروطیت بود. پس از این دوره ادبیات انتقادی و به نوعی هیاهوگر فرو می‌نشیند و به شکلی جدید در دوره رضاشاه تداوم می‌یابد. ادبیاتی که در این دوران شکل می‌گیرد به نوعی با فضای ایجاد شده در دوران رضاشاه در تعامل است. علی‌اصغر حکمت در نخستین کنگره نویسندگان ایران (1325)، دوران رضاشاه را به «دوره دیکتاتوری» تعبیر می‌کند

و معتقد است که در این دوران به دلیل وجود حکومت‌های فردی و استقرار نازی‌ها و فاشیسم در بیشتر کشورهای اروپایی، در ایران نیز حرکت به سوی آزادی و حاکمیت ملی، بازگشتی قهقهرایی داشته است و اراده فردی واحد، حکمفرمای اجتماع گردید.

در نتیجه این امر، تمرکز بسیار شدیدی در کشور برقرار شد و اوضاع استبدادی و آثار حکومت فردی در آثار ادبی نیز انعکاس یافت، به اعتقاد حکمت در آن عصر آثار انتقادی نمود کمتری داشتند و اگر هم اثری در این زمینه نوشته می‌شد، از ترس شدت عمل پلیس مخفی، پنهان می‌ماند و بیشتر اشعار در مدح و ثنا و تمجید از شخص رضا شاه بود.<sup>11</sup>

پرویز نائل خانلری یکی دیگر از سخنرانان این کنگره بود. گفته‌های وی درباره ادبیات عصر رضاشاه خواندنی است: حقیقت مطلب آن است که دوره دیکتاتوری فشار پلیس و سانسور به حدی شدید بود که ذوق را در دل‌های نویسندگان و شاعران خاموش می‌کرد. شهربانی دستور داد که اشعار غم‌انگیز ممنوع است و همه باید در شعر خشنودی و رضایت را بیان کنند.

حتی در آن زمان شاعری در وصف جنگل شعری سروده بود و پلیس به بهانه‌ی آن که ممکن است این همان جنگلی باشد که میرزا کوچک خان در آن بوده است انتشار آن شعر را اجازه نداد.<sup>12</sup> پس از استقرار رضاخان هیاهوها و کشمکش‌های قبل از کودتای سوم اسفند 1299 که در دوره هرج و مرج و ضعف قدرت مرکزی در کشور برپا شده بود، فرو می‌نشیند، همه منتظر نجات دهنده بودند تا کشور را از خطر از هم گسیختگی برهاند. ورود رضاخان با استقبال همه گروه‌های سیاسی و روشن‌فکران و ادیبان مواجه شد. به زودی سر و صداها خوابید و «آرامش گورستان» در کشور استقرار یافت، در این شرایط زمینه برای رشد ادبیات ژورنالیستی به شیوه دوران مشروطیت فراهم نبود و قلم‌ها و اندیشه‌ها، خود به خود و یا با هدایت دستگاه رضا شاهی به سمت جنبه‌های کم‌خطر ادبیات سوق یافتند. مهم‌ترین این گرایش‌ها تحقیقات ادبی بود.

از جمله مباحثی که در ادبیات دوران رضا شاه مطرح می‌باشد، مسئله سنت و تجدد است. این مسئله، قبل از دوران مشروطیت مطرح شده بود. در این جا با دو دسته سنت‌گرایان و متجددین برمی‌خوریم. بحث این گروه‌ها در مورد «احیا و جوان‌سازی» شعر بود. سنت‌گرایان رامحل را در برگشت به سبک‌های سادتر قبل از مغول می‌دانستند و با الگو قرار دادن فردوسی، نظامی و سعدی تلاش می‌کردند شعر فارسی را زنده ساخته و با آن ارتباط برقرار کنند.<sup>13</sup> بر خلاف سنت گرایان، متجددین راه را در فاصله گرفتن از سنت کلاسیک شعر فارسی می‌دانستند. به عقیده آنان، سنت کلاسیک شعر فارسی چنان نخ نما شده بود که قابل استفاده نبود. بنابراین به طرح نظریاتی درباره شعر جدید فارسی پرداختند و شعر معاصر ترکیه را مثال می‌زدند. اما هیچ یک از آنان راه به جایی نبردند. چون در این جا مسئله هنر و جهت‌یابی جدید مطرح بود. چیزی که این نظریه‌پردازان نمی‌توانستند پیش برند؛ بلکه شاعری نظریه‌پرداز می‌خواست تا در آثارش این تجدد را مطرح کند.<sup>14</sup> تا این که «نیما یوشیج» ظهور کرد و پایه‌های تجدد را در شعر ریخت، هر چند که جامعه جامد آن روز نمی‌توانست پا به پای این نوآوری حرکت کند. گذشته از این موضوع می‌توان ویژگی‌های ادبی این دوره را این چنین برشمرد:

1. ظهور ناسیونالیسم باستان‌گرا؛

2. گرایش به رمانتیسم و احساسات‌گرایی؛

3. رشد فعالیت‌های تحقیقات ادبی.<sup>15</sup>

نیما یوشیج در نامه‌ای به سال 1312 خطاب به رسام ارژنگی درباره وضعیت ادبیات در آن دوره این چنین می‌نویسد: از پشت شیشه کتابخانه‌ها، این همه اسامی جدید کتاب‌های بی‌فایده و اغلب مضر را خواندن، رنگ به رنگ - جز رنگ‌های زنده که تنها در تابلوهایتایان کار می‌کنید - مصنفین و مورخین را در کوچه و بازار دیدن؛ بدون این که به وجود ایشان پی ببرند، از مقالات و صحبت‌های آنان وعده‌ای که در کلیه علوم و فنون وجود اظهار رأی می‌کنند محظوظ شدن در خیالتان مجسم کنید که يك سینمای مجانی است. 16.

### شعر سیاسی در سال‌های 1320 - 1299

علی‌اصغر حکمت در نخستین کنگره نویسندگان ایران (1325) اشعار دوران رضاشاه را به لحاظ محتوایی این گونه تقسیم‌بندی می‌کند: 1. اشعار وصفی، 2. وطنی، 3. تاریخی؛ 4. مترجم، 5. سوسیالیستی یا ادبیات کارگری، 6. انتقادی، 7. نسائیات، 8. صنایع عصری، 9. تربیتی و 11. اشعار موسیقی. بیشترین حجم اشعار این دوران مربوط به اشعار صنایع جدید است. دلیل این امر حمایتی است که رضاشاه از این نوع اشعار می‌کند. برای مثال حکمت چند نمونه از این اشعار را ذکر می‌کند: اشعاری در وصف اتومبیل از لطفعلی صورتگر، در وصف دو چرخه از غلامرضا روحانی، در وصف هواپیما از فروزانفر، در وصف پرده سینما از ملک الشعراء بهار، در وصف چراغ برق از حسین شجرنیا، در وصف تلگراف از شیخ الرئیس، در وصف میکروب از افسر...

در میان شاعران دوره رضاشاه، هنوز چهره‌هایی از عصر مشروطیت دیده می‌شود. افرادی چون عارف، عشقی، فرخی یزدی، بهار، لاهوتی، دولت‌آبادی، پروین اعتصامی، رشید یاسمی، صورتگر، شهریار، رعدی و فرزاد که از اواخر دوره مشروطیت به جرگه شاعران پیوستند. ما در این مجال به بررسی کوتاهی از چند شاعر که بیشتر، کارشان با ادبیات سیاسی مانوس است؛ می‌پردازیم.

1. محمدتقی بهار (ملك الشعراء): میرزا تقی خان متخلص به بهار در سال 1304 هـ. ق در مشهد دیده به جهان گشود. بهار در سال 1328 هـ. ق روزنامه «نوبهار» و سال بعد «تازه بهار» را در خراسان منتشر کرد. 17 وی در سال 1334 هـ. ق با ایجاد جمعیتی به نام «دانشکده» شعرا و نویسندگان جوان را دور و بر خود جمع کرد. سعی بهار بر این بود تا «مکتب تازه‌ای از نظم و نثر به وجود آورد».

همین جمعیت بود که در سال 1336 هـ. ق مجله دانشکده را که نامی آشنا در تجدد ادبی است منتشر کرد. 18 بهار در دوره پنجم مجلس شورای ملی از ترشیز و در دور ششم از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد. در همین دوره است که او با مدرس و بهبهانی و آشتیانی در صف اقلیت مجلس قرار می‌گیرند. بهار در آثار متعددی که می‌توان آنها را اشعار سیاسی وی نامید به انتقاد از شرایط حاکم بر کشور پرداخته است. برای مثال وی در «بهاریه‌ای» بهار را آیین پریشان‌حالی وطن دانسته و سروده:

لاله خونین کفن از خاک سر آورده برون

خاک مستوره قلب بشر آورده برون

نیست این لاله نوخیز که از سینه خاک

پنجه جنگ جهانی، جگر آورده برون

یا که بر طرح وطن خامه خون‌بار بهار

نقش از خون دل رنجبر آورده برون

بهار و شاعرانی مانند او در این دوران با سمبل‌سازی‌های گوناگون تلاش کرده‌اند تا مقصود واقعی خودشان را در لفافه بیان کنند.

اثر معروف بهار، گذشته از دیوان اشعار وی، تاریخ معاصر احزاب سیاسی ایران است. یکی از معروف‌ترین آثار بهار تصنیف «مرغ سحر» است که در دستگاه ماهور سروده شده است:

مرغ سحر ناله سر کن  
داغ مرا تازتر کن  
ز آه شرر بار این قفس را  
برشکن و زیر و زیر کن  
بلبل پر بسته ز کنج قفس درآ  
نغمه آزادی نوع بشر سرا  
ای خدا ای فلک ای طبیعت  
شام تاریک ما را سحر کن

2. ابوالقاسم عارف قزوینی: عارف، سرگذشت نامه خود را با این جملات آغاز می‌کند:

اغلب مردم این مملکت از تاریخ تولد خود بی‌خبرند، بدبختانه، يك ملتى كه از تاریخ و ملیت و قومیت خود بی‌اطلاع باشند، چه اهمیتی خواهد داشت اگر تاریخ تولد خود را ندانند... 19.

عارف در سال 1283 در قزوین متولد شد. بنا به نوشته خودش دوران کودکی بدی را پشت سر گذاشته است. وی در دوره مشروطیت به جمع انقلابیون می‌پیوندد. وی از همان کودکی به موسیقی علاقه‌مند بود. بعدها ادوارد براون او را بارید دوره خود خواند. 20.

پس از شکل‌گیری جریان‌های مختلف سیاسی در ایران، پس از جنگ جهانی اول، عارف به گرایش‌های ملی پیوست. وی مدتی از عمرش را در این ایام در عثمانی به سر برد و تحت تأثیر تبلیغات ترک‌ها، تصنیف‌ها و سرودهایی درباره «اتحاد اسلام» سرود، اما پس از مدتی به اغراض ترک‌ها پی برد و راه وطن را در پیش گرفت؛ وطنی ویران و خراب! عارف در آن ایام در یکی از نامه‌هایش این چنین می‌نویسد:

تهران و قم و اصفهان و کاشان به هر کجا که روم آسمان همان رنگ است، تنها جایی که نرفته‌ام قبرستان است و فعلاً در آن خیال هستم. 21.

با روی کار آمدن بلشویک‌ها در روسیه، عارف با شور و علاقه به استقبال آنان می‌رود:

ای لنین ای فرشته رحمت  
کن قدم رنجه زود، بی‌زحمت  
تخم چشم من آشیانه توست  
هین، بفرما که خانه خانه توست

با وقوع کودتای اسفند 1299، عارف نیز مانند بسیاری از روشن‌فکران به طرفداری از آن برخاست. عارف خود در مقدمه تصنیف 24 که در ستایش کابینه سید ضیاء است علت حمایتش را از وی این گونه شرح می‌دهد:  
علت طرفداری من از سید ضیاء این است که از طبقه عامه به مقام وزارت رسیده است و طلسم اعیانی را شکست و

داغ باطله بر اشراف زد22... .

یکی از شلوغ‌ترین کنسرت‌های عارف در ستایش از جمهوری‌خواهی رضاخان بود که در شعبان 1342 هـ. ق برگزار شد. و این آخرین طرفداری عارف از جمهوری‌خواهی مزورانه حکام آن عصر بود و بعد از این بود که عارف به حقیقت تلخ بازی بودن این وقایع پی برد. عارف در اول بهمن 1312 در سن 52 سالگی در حالی که از هیاهوی پایتخت به قریه‌های آرام همدان پناه آورده بود، در گمنامی و فقر درگذشت. یحیی آری‌پور درباره شعر عارف چنین نوشته است:

عارف، شعر را برای بیان افکار سیاسی و اجتماعی و تهیج مردم می‌داند و آن را چون حربه‌ای برای انتقاد از معایب و مفسد ملی به کار می‌برد. صفت اصلی شعر عارف بدبینی و غم و اندوه است و به جز چند شعر که لحن امید بخشی دارد، باقی اشعار او تماماً دارای تصاویر تیره است. 23

3. میرزاده عشقی: سید محمدرضا میرزاده عشقی در سال 1312 هـ. ق در همدان به دنیا آمد. عشقی فعالیت روزنامه‌نگاری‌اش را در سال 1333 هـ. ق با روزنامه‌ای به نام «نامه عشقی» در همدان آغاز کرد. وی در سال‌های مقارن جنگ جهانی اول به استانبول که آن زمان کانون فعالیت‌های ملیون ایران بود، رفت. و در همان جا نخستین آثار شاعرانه‌اش مانند نوروزی نامه و اپرای رستاخیز شهریار آن را نوشت. عشقی در 1337 هـ. ق به تهران آمد و در مخالفت با قرارداد 1919 که آن را «معامله فروش ایران به انگلستان» می‌نامید، اشعاری سرود:

رفت شاه و رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت  
باغبان زحمت ملکش کز ریشه کردند این درخت  
میهمانان وثوق الدوله خون‌خوارند سخت  
ای خدا با خون ما این میهمانی می‌کنند

عشقی به خاطر سرودن این گونه اشعار به زندان می‌افتد.

معروف‌ترین نشریه‌ای که عشقی منتشر کرد، روزنامه کاریکاتوری «قرن بیستم» بود که در سال 1324 هـ. ق به چاپ می‌رسید. شماره اول دور سوم این نشریه، عشقی مطالب تندی درباره جمهوری‌خواهی رضاشاه نوشت. این مقاله به قیمت جان او تمام شد.

اشعار عشقی زیاد نیستند و همه نیز از نظر ارزش ادبی در یک سطح قرار نمی‌گیرند. از هزلیات و هجوهای او که بگذریم می‌توانیم قطعه‌های نوروزی نامه، رستاخیز، کفن سیاه، احتیاج و سه تابلوی مریم را در ردیف آثار مهم او قرار دهیم. «سه تابلوی مریم» در تاریخ تجدد ادبی نیز دارای اهمیت است. قسمت‌هایی از تابلوی سوم مریم:

چرا نباید این مملکت ذلیل شود

در انقلاب «سپهدار» چون دخیل شود

رجال دوره او هم از این قبیل شود

یقین بدان تو که این مرده شو وکیل شود...

در این محیط که بس مرده شوی دون دارد

وزین قبیل عناصر ز حد فزون دارد

عجب مدار اگر شاعری جنون دارد

به دل همیشه تقاضای عید خون دارد...

4. فرخی یزدی: وی در سال 1306 هـ. ق در شهر یزد به دنیا آمد. از همان ابتدا شعر و شاعری کار دست او داد، وی در سنین جوانی شعری در نصیحت حاکم وقت یزد سرود. وقتی خبر این اشعار به گوش حکمران رسید. دستور داد تا دهان او را با نخ و سوزن بدوزند. پس از این واقعه، فرخی به تهران آمد و در صف مبارزان ملی قرار گرفت و روزنامه‌نگاری را پیشه کرد و روزنامه «طوفان» را منتشر نمود.

با پیروزی انقلاب اکتبر 1917 شوروی، فرخی به سوسیالیسم متمایل شد. وی همچنین در دوره هفتم قانون‌گذاری (سال‌های 1307 - 1309) از سوی مردم یزد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد، در همین دوران بود که وی به علت مخالفت‌های پی در پی با دولت مجبور به ترك ایران شد. ابتدا به شوروی رفت و سپس به آلمان، و در نهایت با اعتراض دولت ایران، آلمان‌ها او را اخراج کردند، وی پس از مدتی در به دری به ایران بازگشت و شدیداً تحت نظر قرار گرفت تا این که به زندان افتاد و در همان جا به وسیله آمپول هوای پزشک احمدی جان باخت. (1318)

آرین‌پور درباره شعر فرخی در جلد سوم از صبا تا نیما می‌نویسد:

مجموعه اشعار فرخی، ترانه آزادی و برادری، پیکار با بیگانگانه‌پرستی و نادرستی و اعتراض شدید بر ضد تمام سازمان‌های سیاسی و اجتماعی است که سیاست‌های استعماری امپریالیسم را به دوش ملت‌ها تحمیل کرده‌اند. 24 محمدعلی سپانلو در کتاب شهر شعر فرخی در همین باره می‌نویسد:

ویژگی «شهر شعر فرخی» حکمروایی نوعی غزل است که می‌توان آن را «غزل نیمه سیاسی» خواند. رسالت این شعر، تلطیف آموزش‌های پیچیده و شعارهای خشک مسلکی است. ساده کردن و مردم فهم ساختن مباحث دشوار مرامی است در نازک‌ترین و ظریف‌ترین قالب شعر دری، پیش‌بینی انقلاب محتوم و قهرآمیز ستمدیدگان و آبدیدگی مبارزان در کوره شکنجه و مرارت...» 25. نمونه‌ای از شعر فرخی یزدی:

### چکامه وطنی

مرا بارد از دیدگان اشک خونی  
بر احوال ایران و حال کنونی  
غریقم سراپای در آب ز آتش  
ز آه درونی ز اشک برونی  
زبان آوران وطن را چه آمد  
که لب بسته خو کرده با این زبونی  
چه شد ملتی را که یزدان ز قدرت  
همی داد بر عالم فزونی  
چنین گشته خون‌سرد و افسرده انسان  
که گویی کند دیوشان رهنمونی

نه گوشی است ما را که سازیم اصغا  
 ز نای وطن صوت آن برحمونی  
 نه چشمی که بینیم خوار افتاده  
 درفش کیان از کیان در نگونی 26

5. نیما یوشیج و پیدایش شعر نو: اقتضای زندگی جدید بعد از مشروطیت، به وجود آمدن شیوه‌های نوین در بیان ادبی بود. اگر شاعران و نویسندگان را روح حساس جامعه بدانیم، هر تغییر در سطح و عمق جامعه تأثیری بلافصل بر آنان خواهد گذاشت و در نتیجه شیوه‌های بیانی آنها را نیز عوض می‌کند. نوآوری‌های رضاشاه نیز شیوه‌های بیانی تازه‌ای می‌طلبد.

بی‌شک مهم‌ترین حادثه شعری عصر رضاشاه تولد شعر نو نیمایی است. نیما یوشیج نخستین کسی است که با شعرش مدرنیسم را وارد ادبیات کرد. در این زمینه جنبه‌های نظری کار نیما اهمیت زیادی دارد. شکستن قالب‌های هزار ساله شعر فارسی بر پایه این نظریات بود. 27

نیما خود را شاعری می‌داند که باید با آهنگ روزگار همراه باشد. او نتیجه تأخیر افتادن انقلاب مشروطیت است. انقلابی که تحولاتی ژرف در افکار همه طبقات جامعه (مخصوصاً روشن‌فکران و تحصیل‌کردگان) بر جای گذاشت. نتیجه بلافصل این تحول، تغییر در فرم و محتوای سخنوری و نمونه بارز آن رواج ادبیات ژورنالیستی بود. اگر نیما را بنا به ادعای خودش شاعری هم‌آهنگ با روزگار دانسته و او را روح حساس جامعه بدانیم که مانند آینه گرم و روشنی‌های آن دوران را انعکاس داده است، پس باید برای آثار او در شناخت حال و هوای روزگارش ارزش بسیاری قائل باشیم.

جلال آل احمد نیما را اصولاً شاعری بدبین می‌داند و معتقد است اگر صادق هدایت در داستان به «بوف کور» و نیما به «جغد پیر» پناه می‌برد علتی دارد و علت آن خفقان حاکم بر جامعه عصر رضاشاه است. 28  
 با نگاهی به شعرهای قبل از استحکام دیکتاتوری (افسانه و قصه رنگ پریده و ای شب) درمی‌یابیم که خمیرمایه اصلی این اشعار بدبینی است. این یأس را نیما در عبارت «به کجای این شب تیره بیاویزم قبای ژنده خود را» به روشنی بیان می‌کند. در شعر «وای بر من» فریاد شاعر تنهایی را می‌شنویم که دارد خفه می‌شود، اما جرأت دم برآوردن ندارد. آل احمد اعتقاد دارد همین تنهایی و بی‌پناهی است که نیما را متوجه مرغان کرده است. (با توجه به بسامد بالای نام پرندگان در اشعار نیما) آل احمد ادامه می‌دهد:

توجه به مرغان کم‌کم در تمام آثار او تعمیم یافته است. «اندوهناک شب» با ورود جغدی پایان می‌یابد. در «پریان» نیز [شعر] با وصفی از غرابی بر سر ساحل تکمیل می‌شود.

از طرف دیگر چنان که گذشت، این زندگی رمزی مرغان و آن هم مرغان شوم و تنها - را باید اثری از دوره سکوت ادبی پیش از شهریور 1320 دانست. همین نیما در سال‌های پس از شهریور 20 اگر هم از مرغی دم می‌زند از «خروس» است که خبر دهنده صبح روشن است. 29

### وضعیت ادبیات داستانی در دوره پهلوی اول

منظور از ادبیات داستانی مجموعه‌ای از داستان کوتاه و رمان است و سرآغاز آن به انتشار کتاب یکی بود، یکی نبود

محمدعلی جمالزاده در سال 1300 (هـ. ش) باز می‌گردد. با انتشار این کتاب داستان کوتاه به منزله یکی از ژانرهای ادبی در ایران اعلام موجودیت کرد. عده‌ای از منتقدان این کتاب را «سرآغاز ادبیات واقع‌گرایی ایران» دانسته‌اند. 30 این مجموعه شش داستان را دربر می‌گیرد. طنز زیبا و دل‌نشین جمالزاده، همراه با زبان ساده و محاوره‌ای وی مجموعه‌ای خواندنی را به وجود آورده است. تلاش جمالزاده در یکی بود، یکی نبود این است که شخصیت‌ها و تیپ‌های رایج اجتماعی دوران خود را مطرح کند و آنها را به نقد بکشد، شخصیت‌هایی که اغلب گرفتار اوهام و خرافات هستند و به شدت سنتی و کهنه‌پرست. چیزی که در سراسر این داستان‌ها خودنمایی می‌کند نوعی رخوت و سستی اجتماعی فراگیر است. دقیقاً همان چیزی که مردم به واسطه شرایط نامنی در جامعه دچار آن شده بودند. به طور کلی در دوره رضا شاه وجه انتقادی داستان‌نویسی تضعیف می‌گردد و جای خود را به شعارهایی در زمینه محکومیت عوارض اجتماعی زندگی در مواردی چون خودفروشی، رباخوری، بی‌عاری، ظلم به زنان و ... می‌دهد. اگر ادبیات دوره مشروطه شفاف‌بخش دردهای اجتماعی بود، در این دوره ادبیات و داستان‌نویسی تلخی و رخوت را ترویج می‌کند. نویسنده برون‌گرایی مشروطه، انسانی درون‌گرا می‌شود و به لایه‌های زیرین فکر خود می‌خزد و انتزاعی‌ترین افکار را ارائه می‌دهد، از مردم جدا می‌شود به «حدیث نفس» می‌پردازد. نویسنده این دوران جدای از «حدیث نفس» به «قتل نفس» نیز می‌پردازد: خودکشی «رضا کمال شهرزاد» (نمایشنامه‌نویس) «جهانگیر جلیلی» (نویسنده کتاب من هم گریه کردم گواهی بر این مدعا است. گو این که صادق هدایت نیز در این دوران برای اولین بار دست به خودکشی زد. 31

به طور کلی ویژگی‌های داستان‌های این دوره را می‌توان به طور اختصار این گونه بیان کرد:

1. داستان‌های این دوره فاقد عنصر انتقاد می‌باشد؛
  2. شیوه داستان‌نویسی این عصر، از يك سو در بند افسانه‌پردازی به سبک قدیم و از سوی دیگر زیر نفوذ ترجمه حماسی و رمانتیک خارجی است؛
  3. درون‌گرایی؛
  4. طرح مسائل سطحی اجتماعی مانند خودفروشی، رباخوری، بی‌عاری، ظلم به زنان، تعصبات مذهبی و ...؛
  5. گرایش به تاریخ، مخصوصاً تاریخ ایران باستان.
- سرچشمه این داستان‌ها اغلب ادبیات رمانتیک فرانسه است. 32 این داستان‌ها را می‌توان به دو دسته بزرگ تقسیم کرد: الف) رمان‌های آموزشی و تاریخی؛ ب) رمان‌های اجتماعی.

### الف) رمان‌های آموزشی و تاریخی

در تاریخ ادبیات اروپا رمان‌های تاریخی در آغاز قرن نوزدهم و همزمان با افول ناپلئون پدید آمدند. محتوای رمان‌های این دوره در امنیت اجتماعی و هویت ملی می‌باشد. آراین‌پور شکل‌گیری رمان‌های تاریخی در ایران را «نتیجه مستقیم کوشش‌های فرهنگی دارالفنون و کسان وابسته به آنان» می‌داند. 33

موضوع این گونه رمان‌ها، ایران باستان و قبل از اسلام است. نام برخی از این رمان‌ها عبارت است از: «عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش کبیر» (1297) نوشته «شیخ موسی کبودرآهنگی»، «داستان یا سرگذشت کوروش» (1299) نوشته «میرزا حسین بدیع»، «دامگستران یا انتقام خواهان مزدک» (1304 - 1299)، «مظالم ترکان

خاتون» (1307) نوشته «حیدرعلی کمالی»، «لیران تنگستانی» (1310) نوشته «محمد حسین‌زاده آدمیت»، «نادرشاه» (1310) نوشته «رحیم‌زاده‌ی صفوی»، «آشیانه و عقاب» (1318) نوشته «زین العابدین مومن»، «پهلوان زند» (1312) نوشته «شین پرتو».

هدف اصلی رمان‌هایی از این دست بازسازی واقعی و صادقانه دوره‌های تاریخی است. اما اغلب این آثار در این زمینه ناموفق بوده‌اند. به طور کلی ویژگی‌های رمان تاریخی عصر رضاشاه را می‌توان این گونه برشمرد: کهنه‌اندیشی؛ عدم رابطه با مردم؛ نوعی گریز به گذشته. 34

رمان‌های تاریخی مورد توجه دستگاه رضا شاهی قرار گرفتند، چون رضا شاه به نوعی خود را وارث همه گذشته‌ی ایران می‌دانست. رواج ناسیونالیسم باستان‌گرا نیز به این امر دامن می‌زد. با سقوط رضاشاه در شهریور 1320 رمان تاریخی نیز رو به افول رفت. نیما یوشیج این واقعه را این گونه بیان می‌کند:

امروزه دیگر رمان‌نویسی، مخصوصاً رمان تاریخی رو به انحطاط و زوال می‌رود. این بحران و تحول ادبی بی‌علت نیست، علت آن شکل مناسبات اجتماعی است که تغییر می‌کند و بر اثر آن تغییر وضع فکر و روحیات مردم با نویسنده هم که جزء مردم است تغییر می‌کند. 35

### ب) رمان‌های اجتماعی و سیاسی

رمان سیاسی بنا به تعریف نوشته‌ای است که به نوعی از رابطه قدرت سخن می‌گوید. «تهران مخوف» (1304) نوشته مشفق کاظمی از اولین رمان‌های اجتماعی و سیاسی ایران است که در آن چهره تهران سال‌های 1300 ترسیم شده است. در این رمان برخی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی بعد از کودتای نظامی 1299 سید ضیا و رضاخان مورد بررسی قرار گرفته است و در آن به استبداد حاکم و در بند بودن آزادی‌خواهان اشاره گردیده است.

برخی از چهره‌ها و آثار رمان‌های اجتماعی این دوره بدین قرارند:

1. عباس خلیلی: روزگار سیاه (1304)، انتقام (1304)، اسرار شب (1305).

2. یحیی دولت‌آبادی: شهرناز (1304).

3. محمد حجازی: زیبا (1312)، هما (1307)، پریچهر (1308)؛

4. سعید نفیسی: فرنگیس (1310)؛

5. ربیع انصاری: جنایات بشر یا آدم فروشان قرن بیستم (1308)؛

6. محمود مسعود: تفریحات شب (1311)، در تلاش معاش (1312)؛

خصوصیات کلی این گونه از رمان‌ها را در این موارد می‌توان خلاصه کرد:

1. پذیرش وضع موجود؛

2. توصیف وضع حقارت‌آمیز زنان؛

3. نمایاندن فساد.

4. وجود نوعی ناتورالیسم و یأس و بدبینی نسبت به تغییر وضع موجود؛

5. رمانتیسیم و احساسات‌گرایی؛

6. انعکاس آمال و خواسته‌های طبقه متوسط تازه شکل گرفته؛

7. النقاط فکری. 36

داستان کوتاه یکی از ژانرهای ادبی است که در این دوران شکل می‌گیرد، اما زیاد مورد توجه محافل ادبی قرار نمی‌گیرد. صادق هدایت این بی‌توجهی را این گونه شرح می‌دهد:

حدود نویسندگی را از ابتدای خلقت به همین چهار موضوع (تحقیق، تاریخ، ترجمه، اخلاق) محدود کرده‌اند و هر کس در غیر این موضوعها سخن بگوید و خود را نویسنده بداند باید سرش را داغ کرد. 37

صادق هدایت یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین نویسندگان سیاسی اجتماعی دوران رضاشاه می‌باشد. وی در تاریخ ادبیات ایران شخصیتی پیچیده و چند لایه دارد و درباره وی افراط و تفریط‌های فراوانی انجام گرفته است. عده‌ای او را تا سرحد يك قدیس بالا بردند و گروهی نیز او را نامتعارف و فاسد خوانده‌اند.

آثار صادق هدایت را می‌توان در قالب‌هایی مانند: دانش عوام (فولکلور)، پژوهش‌های علمی، ترجمه‌ها، نامه‌ها، نمایشنامه‌ها و داستان طبقه‌بندی کرد. صادق هدایت در فاصله سال‌های 1320 - 1300 جمعاً 12 اثر از خود بر جای می‌گذارد که عبارتند از:

1. داستان مرگ نویسنده (1305)
2. مجموعه داستان‌های زنده به گور (1309)
3. افسانه‌ی آفرینش (1309)
4. پروین دختر ساسان (1309)
5. سایه مغول (1309)
6. مجموعه داستان‌های سه قطره خون (1311)
7. اصفهان نصف جهان (1311)
8. مجموعه داستان‌های سایه روشن (1312)
9. علویه خانم (1312)
10. مازیار (1312)
11. بوف کور (1315)
12. گجسته ابالیس (1316)

در این میان تریلوژی زنده به گور، سه قطره خون و بوف کور فضایی ویژه را تداعی می‌کنند. حسن عابدینی در این باره می‌نویسد:

او (راوی این داستان‌ها) روشن‌فکری مضطرب، تنها و آشفته ذهن است که خاطرات و رؤیاهای مملو از بیهودگی و مرگ را مرور می‌کند. بیماری است جسمی - روحی که با خودش درگیری دارد. این روشن‌فکر واخورده از بیرون آکنده از خفقان و دروغ، به درون خزیده است، اما در درون نیز، که در ارتباطی متقابل با بیرون است تاریکی سیطره دارد... 38.

مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر داستانی صادق هدایت، بوف کور است. هدایت، بوف کور را در سال 1315 در هند و با يك ماشین دستی كوچك در چند نسخه چاپ می‌کند.

جلال آل احمد درباره بوف کور می‌نویسد:

من هر وقت بوف کور می‌خوانم: «در این وقت صدای يك دسته گزمره مست از توی كوچه بلند شد که می‌گذشتند و شوخی‌های هرزه با هم می‌کردند، من هم هراسان خود را کنار می‌کشیدم»؛ به یاد وحشت و هراسی می‌افتم که نزدیک

20 سال مثل بختک در شب تاریک استبداد بر سر ملتی افتاده بوده است. به خصوص اگر در نظر بیاوریم که این آمد و رفت هراس‌آور گزیده‌ها چندین بار در کتاب تکرار شده است. 39

از جمله ویژگی‌های مهم بوف کور نمادگرایی (سمبولیسم) بسیار قوی آن است. در حقیقت هر یک از شخصیت‌ها و عناصر این داستان می‌توانند نماد سمبلی از عناصر تشکیل دهنده زندگی اجتماعی و روزگار هدایت باشند: جو خفقان، رویاها و آرزوهای دور دست، خیانت، امیال ارضا نشده، نامتعارف بودن آدم‌ها و ... .

#### پی‌نوشت‌ها

1. این مقاله برگزیده‌ای است از طرح پژوهشی که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت انجام گرفته است.
2. دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بافت.
3. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب ایران (تهران: امیرکبیر، 1371) ص 89.
4. به نقل از: رضا قدس، «ناسیونالیسم ایرانی و رضاشاه»، فرهنگ توسعه، خرداد و تیرماه 1375.
5. یحیی آرین‌پور، 10 از صبا تا نیما، جلد دوم (تهران: زوار، 1372) ص 352.
6. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه نفیسی و عزیزی (تهران: مرکز، 1372) ص 122.
7. همان، ص 124.
8. باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران (تهران: گفتار، 1369) ص 107.
9. محمدتقی بهار، پیشین، ص 104 - 105.
10. همان، ص 329 - 330.
11. کاتوزیان، پیشین، ص 145.
12. نخستین کنگره نویسندگان ایران (تهران: بی‌جا، 1326) ص 24.
13. همان، ص 50.
14. ادبیات نوین ایران، ترجمه یعقوب آژند (تهران: امیرکبیر، 1363) ص 49.
15. همان.
16. محمدرضا شفیعی کدکنی، ادوار شعر فارسی (تهران: توس، 1359) ص 62 - 63.
17. نیما یوشیج، مجموعه کامل نامه‌های نیما یوشیج، به کوشش سیروس طاهباز (تهران: 1326).
18. رشید یاسمی، ادبیات معاصر (تهران: ابن سینا، 1352) ص 30.
19. آرین‌پور، پیشین، ص 333.
20. عباس مهرین، تاریخ زبان و ادبیات ایران از زمان قاجاریه تا عصر پهلوی (تهران: مانی، 1353) ص 125.
21. آرین‌پور، پیشین، ص 351.
22. محمدعلی سپانلو، چهار شاعر آزادی (سوند: افسانه + باران، 1994) ص 70.
23. آرین‌پور، پیشین، ص 359.
24. یحیی آرین‌پور، از نیما تا روزگار ما (جلد سوم از صبا تا نیما) (تهران: زوار، 1376) ص 507 - 508.
25. محمدعلی سپانلو، شهر شعر فرخی (تهران: نشر علم، 1375) ص 20.
26. محمد فرخی یزدی، دیوان فرخی یزدی، به کوشش حسین مکی، چاپ 7 (تهران: امیرکبیر، 1363) ص 194.
27. نیما یوشیج در کتاب‌های ارزش احساسات در زندگی هنرپیشگان و حرفه‌های همسایه و همچنین در نامه‌هایش به این نظریات پرداخته است.
28. جلال آل احمد، هفت مقاله (تهران: رواق، 1357) ص 57.
29. همان، ص 57.
30. حسن عابدینی، صد سال داستان‌نویسی در ایران، ج 1 (تهران: تندر، 1366) ص 50.
31. همان، ص 79 - 80.
32. محمدعلی سپانلو، نویسندگان پیشرو ایران (تهران: زمان، 1362) ص 57.
33. آرین‌پور، پیشین، ص 138.
34. عابدینی، پیشین، ص 28.
35. به نقل از عابدینی، ص 29.
36. عابدینی، پیشین، ص 48.
37. صادق هدایت، و غ و غ ساهاپ، ص 12.
38. عابدینی، پیشین، ص 58.
39. آل احمد، پیشین، ص 23.